

به نام خدا

شما عظیمتر از آنی هستید که می‌اندیشید &
جانب عشق عزیز است فرو مگذارش

مؤلف:

مسعود لعلی



نشر بهار صبر

سرشناسه : لعلی، مسعود، ۱۳۵۵ -
 عنوان و پدیدآور : جانب عشق عزیز است فرو مگذارش / نویسنده مسعود لعلی.
 مشخصات نشر : تهران: بهار سبز، ۱۳۸۵.
 مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص.
 فروست : شما عظیم‌تر از آنی هستید که می‌اندیشید؛ ۴.
 شابک : ۹۶۴ - ۹۱۴۱۴ - ۱ - ۳ : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۹۱۴۱۴ - ۱ - ۳
 یادداشت : فیبا
 موضوع : راه و رسم زندگی.
 موضوع : عشق در ادبیات.
 موضوع : خوشبختی.
 رده‌بندی کنگره : ۷۷ / ۷۵ / ۶۰۷۱ PN
 رده‌بندی دیویی : ۸۰۸ / ۸۰۳۵۴۳
 شماره کتابخانه ملی : ۳۴۴۱۴ - ۸۵ م



نشر بهار سبز

شما عظیم‌تر از آنی هستید که می‌اندیشید ۴

جانب عشق عزیز است فرو مگذارش

مؤلف: مسعود لعلی

طراح جلد: مهسا خامنایی

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد؛

چاپ: گنج شایگان

نوبت چاپ: اول، اردیبهشت ۸۶

قیمت: ۱۷۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۹۱۴۱۴ - ۱ - ۳

شابک ۱۳ رقمی: ۹۶۴ - ۹۱۴۱۴ - ۱ - ۱ - ۳ : ۹۷۸

نشانی: خیابان ولیعصر، خیابان شهید ولد، پلاک ۱/۲

تلفکس: ۸۸۹۴۵۷۹۰؛ کد پستی: ۱۵۹۳۷۳۳۱۴۹

پست الکترونیک مؤلف: shomaazimtar@yahoo.com

حق چاپ محفوظ است

صمیمت عافیتت گرچه فروش افتاد ولی

جانب عشق عزیز است فرو مگذارش

« حافظ »

« مقدمه »

ظهر یک روز سرد زمستانی، وقتی امیلی به خانه برگشت، پشت در، پاکت نامه ای را دید که نه تمبری داشت و نه مهر اداره پست روی آن بود. فقط نام او و آدرسش روی پاکت نوشته شده بود.

او با تعجب پاکت را باز کرد و نامه‌ی داخل آن را خواند:

« امیلی عزیز،

عصر امروز به خانه تو می آیم تا تو را ملاقات کنم.

با عشق، خدا »

امیلی همانطور که با دست های لرزان نامه را روی میز می گذاشت، با خود فکر کرد که چرا خدا می خواهد او را ملاقات کند؟ او که آدم مهمی نبود. در همین فکرها بود که ناگهان کابینت خالی آشپزخانه را به یاد آورد و با خود گفت: « من، که چیزی برای پذیرایی ندارم! » پس نگاهی به کیف پولش انداخت. او فقط ۵ دلار و ۴۰ سنت داشت. با این حال به سمت فروشگاه رفت و یک قرص نان فرانسوی و دو بطری شیر خرید. وقتی از فروشگاه بیرون آمد، برف به شدت در حال بارش بود و او عجله داشت تا زود به خانه برسد و عصرانه را حاضر کند.

در راه برگشت، زن و مرد فقیری را دید که از سرما می لرزیدند. مرد فقیر به امیلی گفت: « خانم، ما خانه و پولی نداریم. بسیار سردمان است و گرسنه هستیم. آیا امکان دارد به ما کمکی کنید؟ »

امیلی جواب داد: «متأسفم، من دیگر پولی ندارم و این نان ها را هم برای مهمانم خریده ام.»

مرد گفت: «بسیار خوب خانم، متشکرم» و بعد دستش را روی شانه همسرش گذاشت و به حرکت ادامه دادند.

همانطور که مرد و زن فقیر در حال دور شدن بودند، امیلی درد شدیدی را در قلبش احساس کرد. به سرعت دنبال آنها دوید: «آقا، خانم، خواهش می کنم، صبر کنید.» وقتی امیلی به زن و مرد فقیر رسید، سبد غذا را به آنها داد و بعد کتش را درآورد و روی شانه های زن انداخت.

مرد از او تشکر کرد و برایش دعا کرد. وقتی امیلی به خانه رسید، یک لحظه ناراحت شد چون خدا می خواست به ملاقاتش بیاید و او دیگر چیزی برای پذیرایی از خدا نداشت. همانطور که در را باز می کرد، پاکت نامه دیگری را روی زمین دید. نامه را برداشت و باز کرد:

«امیلی عزیز،

از پذیرایی خوب و کت زیبایت متشکرم،

با عشق، خدا»

عشق همچون مردی که درنی می نوازد، از طریق انسانها سخن می راند، اما هر کس به فراخور ظرفیت خویش «صدای سخن عشق» را انعکاس می دهد.

دم که مرد نایی اندر نای کرد در خور نای است نی در خورد مرد

«مولوی»

قصور مرا ببخشید اگر از این «فن شریف» سخن به میان آوردم و حق، مطلب را تام و کامل ادا نکردم، که عشق لایتناهی است، ریشه در ازل دارد و سرا به ابد می ساید:

بیخ عشق اندر ازل دان شاخ آن اندر ابد

«مولوی»

و ما هرچه می گوئیم ، به قدر وسع خود گفته ایم و نه در خور مقام عزیز عشق ،
اما چه باید کرد که :

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید .
« مولوی »

و اما بعد

۱- به تکرار در کلام بزرگان آمده است که قوی ترین فرد ، کسی است که بر
خویشتن و نفسش غالب شود. ارسطو در این باره می گوید : مشکل ترین
پیروزی ، پیروزی بر خویشتن است .

از این روست که بزرگترین جنگها را مبارزه با نفس دانسته اند و آن را « جهاد
اکبر » نامیده اند .

ای شهان کشتیم ما خصم برون
ماند خصمی زو بتر در اندرون
« مولوی »

نفس را میل به خویشتن است و بس و فقط به خود می اندیشد و دیگر هیچ .
اما حدیث عشق چیز دیگری است . عشق ، کنارگذاشتن راحتی و « صحبت
عافیت » خویش و رعایت حرمت حضور دیگران و توجه و عنایت به منفعت خارج
از دایره منیت است . لذا آنکه پا بر امیال و خواسته های شخصی اش می گذارد و
« جانب عشق » را عزیز می شمارد ، آنکه دیگران را در مصلح نظر خود قرار
می دهد ، کسی است که توانسته بر نفس خویش غلبه کند و او قوی ترین افراد
است .

عشق بزرگترین مصداق پیروزی بر نفس و آشکارترین برهان قدرت انسانی
است . عظیم ترین انسانها ، داناترین ها ، باهوش ترین ها ، زیباترین ها ،
بااستعدادترین ها و ثروتمندترین ها نیستند بلکه کسانی اند که دارای
مهربان ترین قلبهایند .

۲- در هر آفرینشی قدرت خالق و آفریننده در آنچه به وجود می آورد تجلی می‌یابد. در واقع عملکرد و قدرت مخلوق، قدرت و دانش خالقش را به نمایش می‌گذارد. ما مخلوق و مصنوع خداوندیم. ما آمده ایم تا تجلی عظمت الهی باشیم از طریق بروز و ظهور عظمتی که در درون داریم. خداوند از طریق و به وسیله ما خویش را آشکار می‌کند:

من گنجی پنهان بودم می‌خواستم شناخته شوم.

« حدیث قدسی »

انسان، مظهر و آیت الهی است. ما رد پای خداوند بر زمینیم، قدرت الهی در انسان انعکاس یافته است. ما آینه خداوندیم. خداوند سیمای خویش را در انسان می‌بیند و نظاره می‌کند.

نتیجه‌گیری: عالم امکان بر اساس و با هدف تجلی خدا و تجربه او از قدرت لایزالش به وجود آمده است. و بزرگترین وسیله برای تحقق این امر « عشق » است، عشقی که ما به هموعان و تمام هستی ابراز می‌داریم. در حقیقت کمک و خدمتی که به خلق روا می‌داریم، کمک به خداوند است. کمک به او تا قدرت و عظمت خویش را از طریق عظمتی که ما از طریق ابراز عشق بعنوان مخلوق او بدست می‌آوریم، تجربه کند و آن را ببیند.

عشق چرائی جهان خلقت است و به تمام پرسش‌های ما پیرامون هستی پاسخ می‌دهد. دوام و قوام جهان بر پایه عشق و محبت بنا شده است. مهربان باشیم و به همدیگر مهر بورزیم. دیگران را درک کنیم و به آنها احترام بگذاریم، خطاهایشان را ببخشیم و آنها را آزاد بگذاریم و همه این کارها را به خاطر خالقمان انجام دهیم، اینگونه می‌توان عشقمان را به او اثبات کنیم.

و خدا نیز به داشتن مخلوقاتی چنین مباحثات خواهد کرد و در آفرینش ما به خویشتن تبریک و آفرین نثار خواهد کرد.

فتبارک ا... احسن الخالقین :

آفرین بر خداوند که بهترین آفرینندگان است .

« مؤمنون ، ۱۴ »

و کسی که مکتب عشق را برای زندگی خویش برگزیند ، مقدس ترین شیوه زندگی را انتخاب کرده است ، زیرا مهربان ترین انسانها ، مذهبی ترین افرادند و مذهبی ترین دستور ، خدمت ، محبت و گسترش آیین مهرورزی و برابری و برادری است .

عاشق شو ار نه روزی کار جهان سر آید

ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

« حافظ »

مسعود لعلی

مشهد - تابستان ۱۳۸۵